دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال چهاردهم/ شماره ۲۳/ بهار و تابستان ۱۴۰۱

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years, **14** No.2**3**, Autumn & Winter **20**22

نگاهی به نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر

□ سید محمد انور علوی *

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه‌ای است که خداوند آن را برای پاسبانی از ارزش‌ها و اصلاح رفتارهای نادرست آدمیان تکلیف کرده است. چون آموزه‌های دین از جمله امر به معروف و نهی از منکر اگر درست به کار گرفته شوند ظرفیت فراوانی برای تربیت دارند. از سوی دیگر انجام این دو فریضه با وجود داشتن نقش تربیتی مانند نظام تربیتی و آموزشی پرهزینه نیست و مردم آن را بدون چشم داشت مادی و تنها برای رضایت پروردگار انجام می‌دهند. از این رو هدف از بررسی آن به روش اجتهادی یافتن نقش و کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در تربیت آدمیان است. کشف و بهره برداری از ظرفیت این دو معارف دینی در فرهنگ سازی، محافظت از میراث ارزشمند بشری و اصلاح رفتارهای ناپسند انسانی از دست آورد تحقیق به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: نقش، تربیت، امر، معروف، منکر.

---

* دکتری فقه تربیتی جامعة المصطفی العالمیة.

پیشگفتار:

تربیت به معنای پرورش صفات مثبت یا اصلاح صفات منفی است که تحقق آن با امر به معروف و نهی از منکر امکان پذیر به نظر می‌رسد. چون معروف «رفتارهای مورد تحسین جامعه و پسند دین است» و منکر نیز، به «رفتارهای تقبیح شده در جامعه و دین گفته می‌شود». امر به معروف و نهی از منکر به صورت تکلیف شرعی، وظیفه‌ای همگانی بوده، از این رو متولیان فراوان یافته است. از سویی دیگر آدمیان نیز در به کارگیری ابزارهای تربیتی از دانش و تخصص یکسانی برخوردار نیستند. این مساله سبب بد اجرا شدن امر به معروف و نهی از منکر شده است. یکی از آفت‌های جامعه انسانی اجرای قانون خوب به دست مجریان ناتوان است و به دلیل استفاده سلبی و نادرست از امر به معروف و نهی از منکر، فراوان دیده می‌شود که هدف امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی شود و ظرفیت‌های تربیتی آن هم برای جامعه مغفول می‌ماند و نیز در نگرش مردم بد جلوه می‌کنند که نخستین پیامد آن فاصله گرفتن مردم از امر به معروف و نهی از منکر است. برای جلوگیری از این کار دین اسلام برای آمران به معروف و ناهیان از منکر شرط‌هایی گذاشته است که ضرورت دارد هرکس، توانمندی استفاده از امر به معروف و نهی از منکر را دارند از آن برای تربیت و اصلاح جامعه استفاده کنند.

فرایند اجرای امر به معروف و نهی از منکر هم اکنون درجامعه گرفتار دشواری‌هایی شده است. نقش آفرینی آن در تربیت و فرهنگ سازی دیدگاه مخالف فراوان یافته است که باید در جای خود نقد و بررسی گردد. واقعیت‌های عینی جامعه پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند که آیا اجرای درست آن می‌تواند در تربیت، فرهنگ سازی و اصلاح جامعه نقش ایفا کنند؟ آیا در میان آیات و روایات و یا سیره تربیتی پیشوایان، ادله‌ای یافت می‌شود که بیان کنند، امر به معروف و نهی از منکر کارکرد تربیتی دارد؟ این تحقیق به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. چون اسلام برای باورهای جامعه، احترام می‌گذارد. در دعوت همگانی به خوبی و پرهیز از بدی، معیارهای شناخته شده جامعه‌ای سالم را، ملاک قرار داده و مردم را، به آنچه «معروف به خوبی» است فرا خوانده و آنچه مورد پسند جامعه اسلامی نیست نهی نموده‌اند.

۱.مفهوم شناسی

در واژه‌شناسی، واژگان بنیادی موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد، تا از یک‌سو پرده ابهام از روي این گونه

مفاهیم برافتد و از دیگر سوی، خوانندگان با دورنمایی موضوع بحث آشنا گردد.

۱-۱.نقش

نقش در لغت به معنای جایگاه یـا کـارکرد اسـت(دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴: ۲۲۶۶۲)در اصـطلاح، «نقـش عنوانی است که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری شخص در بین جامعه تعیین می‌گـردد. نقش‌هـا ممکـن است توسط شرع، عرف یا قـانون تعیـین گردنـد». در تعیـین و تعریـف نقش‌هـا، توافـق و تأییـد جامعـه ضروری است.

۱-۲. تربیت

تربیت در فارسی به«معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یـاد دادن، آمـوختن و پـروردن کـودک تـا هنگام بالغ شدن به کار رفته است».(دهخـدا، ۱۳۷۲، ۵: ۶۶۰۲)در عربـی هـم یـا از ریشـه «ربـو» بـه معنای «رشد، نمو و علو به کار رفته است»(ابن فارس، ۱۴۳۰، ۲:۴۸۳) یـا از ریشـه «ربـب»«حضـانت و در دامـان خـود پـروردن»(فراهیـد، ۱۴۰۹، ۸: ۲۵۷)،تربیـت در اصـطلاح علـوم تربیتـی کاربردهـای گوناگونی دارد گاهی «واژه تربیت در معانی اعـم از آمـوزش و تعلـیم اسـتفاده مـی‌شـود و مقصـود از آن پروریدن همه ساحت‌های وجود انسان است؛ اما واژه تربیت گاهی در برابـر تعلـیم بـه کـار مـی‌رود کـه مقصـود از آن پـرورش جنبـه‌های غیرشـناختی متربـی اسـت»(اعرافـی، ۱۳۷۷، ۱۱: ۱۷۰۶۹) شـهید مطهری هم تربیت را «پرورش دادن، استعدادهای درونی و بـه فعلیّـت رسـاندن آن مـی‌دانـد»(مطهـری، ۱۴۱۹، ۲۲: ۷۱۶).

۱-۳. امر

امر «در لغت معانی گوناگونی دارد مانند: طلب، شأن، فعل و کار، کار گشـفت انگیـز، شـیء» (آخونـد خراسانی، ۱۴۲۲، ۱: ۶۱) و در اصطلاح، امر به معنای طلبـی اسـت کـه در معنـای لغـوی ذکـر گردیـد. مظفر بی‌تا، ۱ : ۵۹) البته مقصود از طلب با گفتار یا غیر گفتار ماننـد نوشـتار و اشـاره ابرازگـردد. و بـدون ابراز، طلب نامیده نمی‌شود (عراقی، ۱۴۱۷، ۱: ۱۵۸).

۱-۴. معروف

معروف، «در لغت به معنی «شناخته شده»، از ماده عرف است»(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲: ۵۸۷) در اصطلاح «معروف به كاري اطلاق مي گردد كه با خرد و شريعت نيكو شناخته شود».(طباطبایی، ۱۳۹۴، ۲۱: ۱۸). از این رو، معروف فطري و همگاني اند و با اندک تفاوتی در میان بشریت یکسانند. در زندگي آدميان، معيارهاي استواری براي خوب و بد ؛ زشت و زيبا وجود دارد. برای همین می‌توان گفت كه خوبي و بدي ذاتي اند و انسان با فطري مي تواند آنها را دريابد و شاخصه‌های کلي آنها را باز شناسد. اگر در تشخیص مصداق و یا در لایه‌های معرفتی که عقل انسان از شناخت آن باز می‌ماند، وحي به كمك مي‌شتابد.

۱-۵. منکر

منکر در لغت «هر كاري است كه عقل سالم بر زشتي آن حكم كند، يا اينكه عقل در زشتي و خوبي آن كار سكوت كرده؛ ولی شريعت به مدد عقل شتافته بدي و زشتي آن را بيان كند(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲: ۵۸۷) منکر در اصطلاح «كاري كه مردم در جامعه آن را نشناسند و متروك باشد. چه به خاطر زشتي آن يا به خاطر اينكه جرم و گناه است» (طباطبایی، ۱۳۹۴، ۲۱: ۱۸).

۲. ابراز شناخت معروف از منکر

خداوند برای تربیت پذیری آدمیان ابزارهای کارآمدی را جهت شناخت معروف از منکر در اختیار آنان قرار داده است که مهم ترین آنها فطرت، شرع، عقل سالم و عرف است.

۲-۱. فطرت

خداوند آدمیان را تربیت پذیر آفریده است که قادرند فرایند تربیت را به خوبی بپیمایند و با فطرت خویشتن خوبی و بدی را تشخیص دهند. این گونه شناخت در تربیت نقش مهم دارد چون نیروی است که از درون انسان می‌جوشد.

قرآن از تجهیز شدن انسان به الهامات فطری سخن گفته است. خداوند در سوره شمس به روح انسان و اعتدال آن قسم می‌خورد، و روحی که خداوند، زشتی‌ها و پاکی‌ها را به آن الهام کرده است : «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها قَال* فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها».(شمس، ۷ و۸)

یکی از اصحاب پیامبر می گوید: وقتی آیه «یاأَیُّهَا النَّاسُ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ»(مائده، ۲) نازل شد خدمت پیامبر (ص) رسیدم تا در باره این آیه پرسش کنم « أَنَّ وَابِصَةَ بْنَ مَعْبَدٍ الْأَسَدِيَّ أَتَاهُ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ لَا أَدَعُ مِنَ الْبِرِّ وَ الْإِثْمِ شَيْئاً إِلَّا سَأَلْتُهُ فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ إِلَيْكَ يَا وَابِصَةُ عَنْ سُؤَالِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ النَّبِيُّ ص دَعُوا وَابِصَةَ ادْنُ فَدَنَوْتُ فَقَالَ تَسْأَلُ عَمَّا جِئْتَ لَهُ أَمْ أُخْبِرُكَ قَالَ أَخْبِرْنِي قَالَ جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ وَ الْإِثْمِ قَالَ نَعَمْ فَضَرَبَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ الْبِرُّ مَا اطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَ الْبِرُّ مَا اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الصَّدْر»(حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۱۶۶.)

«پیامبر به وابصه فرمود: می‌خواهی بگویم از چه سوال می‌کنی یا خودت می‌پرسی؟ عرض کردم: شما بفرمایید، فرمود: آمده‌ای تا از نیکی و گناه بپرسی سپس انگشتان خود را جمع کرد و به سینه من زد و فرمود: ای وابصه از قلب خودت پرسش کن و از خودت بپرس». خداوند معرفت خوب و بد را در نهان هر بشری قرار داده است.

مطالعات رفتارشناسانه‌ای آدمیان نشان می‌دهد که پاره‌ای از کارها را که انجام می‌دهند نه به منظور کسب سود یا دفع زیان است؛ بلکه تنها تحت تاثیر عواطف اخلاقی انجام می‌دهند. برای این که معتقد است انسانیت وی چنین حکم می‌کند. این گونه کارهای خیرخواهانه را خیر اخلاقی می‌گویند.(مطهری، ۱۳۷۲: ۲۵۶) چون ارزش‌های انسانی فراتر از منافع مادی است از روی معرفت که انسان در اعماق روح خود دارد بسیاری از کارهای خیرخواهانه را انجام می‌دهند. از این رو قرآن کریم از فطرت انسان و وجدان اخلاقی او سخن می‌گوید.

۲-۲. شرع

شرع نیز در شناخت معروف و منکر به مدد انسان می‌شتابد. آموزه‌های دین در تشخیص معروف از منکر یاور انسان بوده است. از این رو هیچ کس نمی توانند خود را از شرع بی نیاز بدانند.

نخست اینکه آموزه‌های دینی ترسیم کننده‌ای طرح کلی برای برنامه‌های زندگی انسان است که همه بر مبنای مصالح زندگی بشر بنا گردیده است. و چنین احاطه‌ای برای آدمیان بر مجموع مصالح زندگی، امکان پذیر نیست.

هرچند برخی از اندیشوران ادعای خود کفایی عقل در یافتن راه سعادت را مطرح کرده‌اند. این پرسش

مطرح است که آیا در جهان می‌توان فیلسوفی را یافت که در یافتن راه رستگاری انسان را یاری رساند و تمام مصالح زندگی را به صورت نامحدود به آدمیان بگوید؟ چون سعادت و شقاوت با وجود بحث‌های فلسفی هنوز در پرده ابهام قرار دارد.

از سوی دیگر انسان در رسیدن به تربیت با هزاران مشکل رو به رو است. که باید برای حل آنها تلاش کنند. چون تربیت هرکسی با تربیت، دیگران درآمیخته است. بنابراین انسان نمی توانند راه خود را مستقل از دیگران برگزیند. از این جهت باید سعادت خود را در مسیری سعادت دیگران جستجو کنند که امر به معروف و نهی از منکر یاور انسان در تربیت و اصلاح جمعی است می‌توانند جامعه را به سعادت و کمال برساند.

چون آدمیان زندگی جاوید دارند. از این رو خوبی‌ها و بدها را تنها در مسیر زندگی دنیایی نباید جستجو کنند. بایستی آثار تربیتی خود و دیگران را در روح جاودانه و زندگی پس از مرگ نیز در نظر گیرند و روشن است که عقل نسبت به آن هیچ گونه تجربه‌ای ندارد.(مطهری، ۱۳۷۲: ۴۳).

بنابراین برای شناخت معروف و منکر افزون بر عقل و خرد، به آموزه‌های شرع نیز نیازمندیم. به همین دلیل دین اسلام. امر به معروف و نهی از منکر را پشتوانه اجرایی تربیت و اصلاح رفتار آدمیان قرار داده است.

۲-۳. عقل

عقل نیز در وجود انسان روشنگر راه او به سوی کمال است. در پرتو این نعمت گرانبها می‌تواند بسیاری از معروف و منکر را بشناسد. از منکرها دوری جوید و به معروف‌ها گرایش یابد. به همین دلیل قرآن از کسانی یاد می‌کند که به سبب گوش ندادن به راهنمایی‌های عقل خویش جهنمی شده‌اند «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک، ۱۰). «اگر گوش شنوا داشتیم و یا تعقل می کردیم در میان دوزخیان نبودیم».

افزون بر این آیه؛ آیات فراوان در قرآن با عبارات‌های مانند«افلا تعقلون» یا «لعلکم تعقلون» و... مردم را از این ابزار شناخت معروف و منکر آگاه می‌سازند.

۲-۴. عرف

معروف و منکر افزون بر ابزارهای فطری، عقلی و شرعی، معیارهای اجتماعی و عرفی نیز برای شناخت دارند. در فقه هرچند عرف در ردیف منابع چهارگانه استنباط احکام نیامده است؛ اما مطالعه آثار فقیهان نشان می‌دهد که آنان از عرف برای تشخیص موضوع به صورت گسترده استفاده می‌کنند و پس از تثبیت موضوع، حکم آن را از کتاب و سنت استنباط کنند. از این رو برای تعیین موضوع معروف و منکر هم به عرف مراجعه می‌کنند و عرف می‌تواند یکی از ابزارهای شناخت معروف از منکر باشد.

۳. ادله‌ی قرآنی بر نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر

۱. «وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (آل عمران، ۱۰۴). «باید از شما گروهی باشند که دعوت به نیکی و خوبی و نهی از بدی کنند و آنان همان رستگارانند.»

دلالت آیه

این آیه دلالت می‌کند که دعوت کنندگان به خیر انسان‌های تربیت شده و رستگارند. در قید توضیحی خیر، امر به معروف و نهی از منکر را بیان کرده که این فریضه پاسبانان خوبی‌ها است وقتی خوبی‌ها به کمک امر به معروف و نهی از منکر در میان مردم به صورت عادت و فرهنگ درآید اهداف تربیتی محقق شده است. چون تربیت همان ترویج و فرهنگ سازی خوبی‌ها با ایجاد صفات مثبت یا اصلاح رفتارهای نا درست در جامعه است که در این فرایند امر به معروف و نهی از منکر نقش مهم در ترویج خوبی‌ها و بازداشتن از پلیدی‌ها دارند.

از سوی دیگر قرآن با تفسیر آیه به آیه رستگاران را برای آدمیان تبیین می‌کند و حزب الله را نمونه‌ای رستگاران بر می‌شمارد. «أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (مجادله، ۲۲). حزب الله انسان‌های تربیت شده‌اند که در دامان آموزه‌های دین و به شیوه‌ای نظارتی امر به معروف و نهی از منکر پرورش یافته‌اند.

از ویژگی‌های مهم حزب الله همت گماشتن به بر پایی معروف و باز داشتن مردم از ارتکاب منکرات است که بدون آن نمی توان در زمره رستگاران قرار گرفت.

چون خوبی‌ها، اندوخته‌های فکری و میراث تمدنی و تربیتی بشر با گذشت زمان به دست فراموشی

سپرده می‌شود. مگـر آن کـه پیوسـته یـادآوری و بـه روز رسـانی و پاسـداری گـردد. همزمـان بـا تغییـر و تحولات زندگی بشر کارآمد گردد و متناسب با نیازهای عصر خود قرار گیرد. از این رو پیونـد میـان علـم وعمل ضرورت می‌یابد. هرچند علم انسان را به عمل راهنمایی می‌کند و عمل شایسته نیـز بـر آگـاهی و بینش آدمیان می‌افزاید؛ ولی بدون نظارت موثر و کارآمد این کار تضمین شده نیست.

از این رو برای ایجاد جامعه سالم باید از معارف و فرهنگ اصـیل حفاظـت نمـود و از حـریم انسـانیت دفاع کرد که این مهم با امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌گردد. از طرف دیگر رها کردن جامعـه بـه حال خود سبب سقوط به ورطه هلاکت شده و کار تربیت را دشوار تر می‌سازد. بنـابراین امـر بـه معـروف و نهی از منکر با پاسبانی از ارزش‌ها و میراث گرانه مایه بشریت نقش مهـم در تـرویج آنهـا دارد. و زمینـه ساز رفتار شایسته مردم شده و تقویت کننده نیروهای مثبت در جامعه خواهد بـود. (طباطبـایی، المیـزان، ج ۳، ص ۳۷۲)

در نگرش قرآن کارهای نادرست اگر در بخشی از جامعه پدید آید و جلو آن گرفته نشـود، ماننـد بیمـاری واگیردار، اندک اندک به دیگران نیز سرایت کرده و همه بخش‌های جامعـه را آلـوده مـی‌سـازد. از ایـن رو سکوت در برابر کارهای هنجار شکنانه؛ اشـتباه جبـران ناپـذیر خواهـد بـود. ایـن حقیقـت را قـرآن بیـان می‌کند. «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصيبَنَّ الَّذينَ ظَلَمُوا مِنْكُم خَاصَّةً وَ اعْلَمُـوا أَنَّ اللّـهَ شَـديدُ العِقـابِ» (انفـال، آیـه ۲۵) «از فتنه‌ای که تنها به ستم کاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است».

بنابراین فریضه‌ای امر به معروف و نهی از منکر، محافظـت کـردن از حقـوق خـود و جامعـه اسـت کـه توسط فاسدان به خطر می‌افتد، این کار افزون بر ادله‌ی قرآنی، یک کـار پسـندیده و عقلایـی نیـز شـمرده می‌شود. آیه مورد بحث فرمود: «باید از شما گروهی باشند که دعوت به معـروف و نهـی از منکـر کننـد» چون قید دسته و گروه دارد که حکم شرعی وجـوب کفـایی بـرای امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر از آن استنباط می‌گردد.

۲. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَـوْنَ عَـنِ الْمُنْكَـرِ وَتُؤْمِنُـونَ بِاللَّـهِ» (آل عمـران، ۱۱۰). «شما بهترین امتی بودید که بر مردم ظاهر شده است (چون که) امر بـه معـروف و نهـی از منکـر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

دلالت آیه

این آیه دلالت می‌کند که امت اسلامی به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، بهترین امت است و به همین دلیل مورد ستایش خداوند قرار گرفته است. علت بهترین امت بودن را آیه بیان کرده و آن بهره مند شدن، از اصلاح و تربیت با امر به معروف و نهی از منکر است. به نظر می‌رسد آن افتخار بزرگ که نصیب امت اسلامی شده است و بهترین و شایسته ترین امت از سوی خداوند خطاب گردیده است؛ همه به خاطر امر به معروف و نهی از منکر است و عنوان شایستگی وقتی بدست می‌آید که ارزش‌های انسانی بر آن مردم حاکم باشند و آنان با امر به معروف و نهی از منکر تربیت و اصلاح شده باشند. بنابراین مسلمانان در صورت امت شایسته است که با احساس مسئولیت یکدیگر را به خوبی‌ها فرا خوانند و از بدی باز دارند.

عنوان "خَيْرَ أُمَّةٍ" لقب تشریفاتی نیست تا تنها کاربرد افتخار و مباهات داشته باشد؛ بلکه نشانه‌ای از جایگاه ارزشمند اجتماعی است که به مدد امر به معروف و نهی کنندگان از منکر محقق شده است. هرگاه مردم از انجام وظیفه تربیتی و اصلاحی خود کوتاهی کنند بهره‌ای از این افتخار را ندارند (مطهری، ۱۳۷۱، ۲: ۴۹).

از سوی دیگر امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا قرار گرفته که نشانه جایگاه بلند این دو فریضه بزرگ الهی در مقام تربیت و فرهنگ سازی ارزش‌هاست. حکم وجوب برای این دو فریضه از آیه مورد بحث هم استنباط می‌گردد. چون امر به معروف و نهی از منکر ضامن گسترش ایمان و سعادت در میان امت اسلامی خواهد بود. اگر این دو فریضه درست اجرا نشود ریشه ایمان در دلها سست گردیده و پایه‌های تربیت انسان صالح و رستگار و مفید برای جامعه فرو می ریزد.

۳. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ». (آل عمران، ۱۱۴) «به خدا و روز آخر ایمان آورند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در شتافتن به سوی خوبی‌ها بر همدیگر پیشی می‌گیرند و آنان از شایستگان اند.»

دلالت آیه

این آیه هم مانند آیه پیشین دلالت می‌کند که ایمان به خدا، ایمان به روز قیامت، امر به معروف و نهی

از منکر و سرعت در کارهای خیر، مجموعه کارهای است که انسان را در زمره صالحان قرار می‌دهد. از طرف دیگر صالح شدن و رستگاری از اهداف بزرگ تربیتی است که با امر به معروف و نهی از منکر هم حاصل می‌شود و این دو فریضه می‌تواند نقش ارزشمند در تربیت و رستگاری آدمیان داشته باشد.

۴.«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»(اعراف، ۱۶۵) «و چون از آنچه به ایشان تذکر داده شده بود غفلت ورزیدند کسانی را که از بدی و زشتی نهی می‌کردند نجات دادیم و آنها که ستم کردند به واسطه فسق به بدترین عذاب گرفتار کردیم.» دلالت آیه

این آیه هم بر نقش تربیتی نهی از منکر دلالت می‌کند چون دسته‌ای از قوم حضرت موسی (ع) که نهی از منکر می‌کردند از عذاب الهی رهایی یافتند وکسانی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کرده بودند به عذاب الهی گرفتار آمدند و هلاك شدند. این آیه سخن از رهایی از عذاب با امر به معروف و نهی از منکر و گرفتار شدن در عذاب الهی به خاطر تر این دو فریضه است که عقاب و کیفر دلیل بر حرمت ترک این دو فریضه‌ای واجب است. حکم شرعی این آیه از نقش امر به معروف و نهی از منکر در رستگاری و نجات‌بخشی انسان خبر می‌دهد که خود از اهداف مهم تربیتی است.

۵.«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».(لقمان، ۱۷) لقمان حکیم به فرزندش سفارش کرد:« فرزندم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهمّ است!».

دلالت آیه

این آیه هم دلالت می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر نقش تربیتی دارد. چون آنها را همسان نماز و از کارهای مهم بر شمرده است. مهم بودن از دیدگاه شرع می‌تواند هم نشانه واجب بودن باشد و هم نقش در تربیت و اصلاح مردم داشته باشد. همانطور که نماز سبب عروج و تربیت عبادی انسان شده و مانع منکرات می‌شود؛ امر به معروف و نهی از منکر هم مانند نماز نقشی در ترویج کارهای خوب و مانع کارهای بد می‌گردد.

۶.«فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود، آیه۱۱۶.) « چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می‌کردند، از تنعّم و کامجوئی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند)!».

دلالت آیه

این آیه دلالت می‌کند که نهی از منکر در نجات آدمیان نقش داشته و کسانی که نهی از منکر کردند نجات یافتند و نجات‌بخش شدند و کسانی که دست از این کار کشیدن هم خود هلاک شدند و هم زمینه‌ای هلاکت دیگران را فراهم آوردند. کارهای تربیتی همه تلاش برای نجات و رستگاری انسان است که با نهی از منکر و فساد نکردن هم محقق می‌شود. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر با تربیت، اهداف مشترک می‌یابند.

۷.« لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ». (مائده، ۷۸) «از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، و این لعنت پاداش عصیان و تجاوزشان بود». در آیه بعد دلیل لعنت شدن را بیان می‌کند«كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده، آیه۷۹). «از کار زشتی که می کردند یکدیگر را نهی نمی کردند و هرآینه بدکاری می کردند».

دلالت آیه

در این آیه به دلیل اینکه قوم یهود هم خود کارهای زشت انجام می‌دادند و هم همدیگر را از منکرات نهی نمی‌کردند؛ مورد لعنت قرار گرفته است است که لعنت شدن نشانه‌ای حرام بودن کار آنان است، از دو جهت هم در انجام منکرات و هم در ترک نهی از منکر کار آنان مخالف شرع بوده است. بنابراین نهی از منکر نشانه‌ای رضایت الهی و سبب باز داشتن مردم از کارهای ناشایست بوده که کار تربیتی شمرده می‌شود.

۸.«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹). «با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر به نیکی سفارش نما و از نادانان روی گردان باش»

دلالت آیه

پیامبران معلمان بزرگ بشر بوده‌اند که برای تربیت انسان تلاش فراوان کرده‌اند. در این آیه دسته‌ای از وظایف را برای پیامبر (ص) در راستای تربیت بر می‌شمارد، که امر به معروف و نهی از منکر یکی از آن وظایف است. از آیات دیگر (آل عمران، ۱۱۰) به دست می‌آید که امر به معروف وظیفه اختصاصی پیامبر(ص) نبوده است و خداوند به دلیل اهمیت آن در تربیت و فرهنگ سازی آن را به پیامبران هم تکلیف کرده است و این وظیفه به دلیل کارساز بودن عمومیت یافته و همگانی شده است.

۹.«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، ۱۵۷). «آنان که از این رسول و پیامبر امی پیروی می‌کنند که نامش را در تورات و انجیل مکتوب می‌یابند، آنان که به نیکی فرمانشان می‌دهد و از ناشایست بازشان می‌دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاك را حرام و بار گران را از دوششان بر می‌دارد، بند و زنجیر را می‌گشاید. کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده‌ایم پیروی کردند، رستگارانند».

دلالت آیه

ظاهر آیه دلالت و حداقل اشعار می‌دارد که امر به معروف و نهی از منکر و امور پنج گانه‌ای که در متن آیه ذکر شده از ویژگی‌های دین اسلام است. چون این آیه از مختصات پیامبر اکرم و ملت او سخن می‌گوید. هر چند به نص صریح قرآن کریم دیگر انسان‌های شایسته نیز به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند و طیبات را حلال، خبائث را حرام دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد که دین اسلام یگانه دینی است که بیشتر به امر به معروف و نهی از منکر اهمیت می‌دهد. اسلام تنها دینی است که در باره همه امور مربوط به زندگی بشر امر به معروف و نهی از منکر را توسعه داده، طیبات را حلال و خبائث را حرام شمرده است و امر به معروف و نهی از منکر را نگهبان حلال‌ها و دور کردن مردم از حرام‌ها کرده است. اسلام دینی است که همه احکام و تکالیف مشکل

آفرین برای زندگی بشر که به دست احباریان و رهبانان وارد ادیان خصوصا دین یهود و مسیح شده بود توسط دین اسلام نسخ گردید. پس حد نهایی امور پنج گانه بیان شده در آیه مورد بحث، تنها در اسلام یافت می‌شود (موسوی همدانی، ۱۳۷۹، ۸ : ۳۶۵)

امر به معروف و نهی از منکر افزون بر آنکه از ویژگی‌های تربیتی اسلام و رسالت پیامبر (ص) است به بیان قرآن کریم از مهم ترین عنصر تشکیل دهنده حکومت شایسته و جامعه سازی نیز به شمار می‌رود.

۱۰.«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱).«همان کسانی که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خدا است».

دلالت آیه

این آیه دلالت می‌کند، تمام کسانی که توانمندند، وظیفه‌ای تربیت و هدایت دارند. امر به معروف و نهی از منکر هم مانند بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات نقش انسان سازی و تربیتی دارند. چون اینها از مهم ترین برنامه‌هایی است که خداوند انجام آن را از کسانی که توان انجام آن را دارند، خواسته است و کسی که به برنامه‌های تربیتی همت گمارد و همگام با انبیای الهی به انجام رسالت عظیم آنان یاری رسانده است.

۴. ادله‌ی روایی بر نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر

۴-۱. امر به معروف درسیره تربیتی انبیاء (ع)

۱.امام باقر (علیه السّلام):« إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ».(حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۱: ۳۹۵) « امر به معروف و نهی از منکر سیره انبیاء و شیوه صالحان است...»

دلالت حدیث

امر به معروف و نهی از منکر روش تربیتی با پیشینه‌ای کهن است که در سیره تربیتی تمام پیامبران برای

تربیت جامعه سالم از آن بهره گرفته‌اند. چون دعوت به نیکی و باز داشتن از زشتی محور دعوت تمام انبیای الهی بوده است. این حدیث هم دلالت می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر نقشی تربیتی دارد. چون امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و شیوه نیکوکاران است. فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می شود و با امر به معروف و نهی از منکر راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق و اموال غصب شده از زورمندان باز ستانده شده و به صاحبانش بر می‌گردد و زمین آبادان می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد.

۴-۲. سیره تربیتی ائمه (ع)

پیشوایان دین (ع) هم امربه معروف و نهی از منکر را سبک تربیتی کارآمدی می‌دانسته‌اند. از این رو پیوسته در گفتار و کردار بر انجام آن تاکید ورزیده‌اند. چون تربیت تاثیر معنا داری بر جامعه انسانی می‌گذارد. از آنجای که سرنوشت انسان با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ارتباط دارد. سود و زیان کارهایی که از انسان سر می‌زند هم به خود او باز می‌گردد و هم جامعه را متاثر می‌کند.

از این رو انسان همان گونه که در اعمال و رفتار خود مسولیت دارد؛ در برابر عملکرد افراد جامعه نیز مسئول است. در بینش اسلامی، روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر هم‌زمان با اصلاح و تربیت خویشتن؛ بایستی در جهت اصلاح و تربیت دیگران نیز بکوشد. بی توجهی نسبت به رفتار دیگران و سرنوشت دیگران، بی اعتنایی به سرنوشت خویشتن است و اگر منکر و تباهی در جامعه گسترش یابد، آثار نامطلوب آن دامنگیر همه افراد جامعه خواهد شده و کار تربیت و اصلاح را با دشواری مواجه خواهد کرد.

رسول خدا (ص) به دلیل هم‌پوشانی سرنوشت آدمیان همه‌ای آنان را مسئول خطاب کرده است که نقش تربیتی امر به معروف در به ثمر رساندن این وظیفه‌مندی مهم است.«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِه».(مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲: ۳۹)« همه‌ای شما سرپرست همدیگر هستید و نسبت به زیر دستان خود مسئولید»

اسلام از پیروان خود می خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و با مشاهده هنجار شکنی‌ها و هرکاری که نظام زندگی آدمیان را مختل می‌کنند، خاموشی برنگزینند. همواره دیگران را به خوبی

سفارش کنند و از بدی‌ها باز دارند. سفارش پی در پی قرآن کریم که در ادله‌ای قرآنی بیان شد در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای تربیت و سالم سازی محیط اجتماعی قائل است.

چون تمدن‌ها براساس میراث و ارزش‌های عقلانی و وحیانی بنیان نهاده شده است که مراقبت نکردن، تمدن‌ها را به سوی نابودی سوق می‌دهد. اسلام با توجه به این واقعیت، از آغاز، پیروان خود را با عوامل نابودی تمدن‌های پیشین آشنا ساخته و برای جلوگیری از سرنوشت آنها، طرح نو به نام امربه معروف و نهی از منکر در انداخته است.

امام علی (علیه السلام) با استناد به قرآن کریم، بی‌تفاوتی آگاهان و ترک امر به معروف و نهی از منکر را دلیل اصلی انحطاط حکومت‌ها و تمدن‌های گذشته معرفی می‌کند و برای جلوگیری از سقوط تمدن اسلامی، مردم را به انجام این وظیفه که رمز پایندگی و تکامل دین اسلام است، فرا می‌خواند.

۱. «نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عُقَيْلٍ عَنْ حَسَنٍ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَيْثُمَا عَمِلُوا مِنَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ وَ أَنَّهُمْ لَمَّا تَمَادَوْا فِي الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ نَزَلَتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ فَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ ...»(حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۱۲۱.) «به درستی کسانی که پیش از شما هلاک شدند، مرتکب گناهانی می‌شدند و دانشمندان و نیکان، آن‌ها را از آن باز نداشتند و نهی از منکر نکردند».

دلالت حدیث

دلالت این حدیث بر نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر روشن است برای اینکه پایداری بنیاد تمدن اسلامی بر دوش‌همگان قرار گرفته و همه‌ای مردم در حفظ ارزش‌های الهی مسئولند؛ از طرف دیگر کوتاهی در حفاظت از بخشی بسیار کوچک از ارزش‌ها به تدریج بر بنای استوار جامعه ضربه می‌زند آرامش دیگران را نیز از بین می‌برد.

۲.« سُلَيْمٌ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيّاً عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ يَوْمَ الْجَمَلِ وَ يَوْمَ الصِّفِّينِ إِنِّي نَظَرْتُ فَلَمْ أَجِدْ إِلَّا الْكُفْرَ بِاللَّهِ وَ الْجُحُودَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى، أَوْ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

فَاخْتَرْتُ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ عَلَى الْكُفْرِ بِاللَّهِ وَ الْجُحُودِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ مُعَالَجَةِ الْأَغْلَالِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، إِذَا وَجَدْتُ أَعْوَاناً عَلَى ذَلِكَ» (سلیم بن قیس الهلالي، ۱۴۱۵، ۲: ۸۸۳). «سلیم گفت: شنیدم که علی (ع)در روز نبرد جمل و صفین می‌فرمود: «من در این امر اندیشیدم، خود را بر سر دوراهی یافتم؛ یا کفرورزیدن به خدا و انکار آنچه خداوند نازل فرموده یا جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر، وقتی یارانی برای انجام این مهم یافتم جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر را بر کفر به خدا و انکار قرآن و پذیرفتن غل و زنجیر و آتش دوزخ ترجیح دادم. من همواره پس از درگذشت رسول خدا (ص) مظلوم بوده‌ام، اگر دیروز در جهت احیاء قرآن و سنت مانند امروز یارانی می‌یافتم، جهاد می‌کردم و خانه‌نشین نمی‌شدم».

دلالت حدیث

در جنگ صفین مردی خدمت حضرت علی (ع) رسید و تقاضای مصالحه کرد، تا معاویه و یارانش به شام برگردند و حضرت نیز به همراه سپاهیان خود به عراق باز گردند. امام علی (ع) از قبول این پیشنهاد امتناع ورزید و علت اصرار خود بر ادامه مبارزه را اقامه امر به معروف و نهی از منکر بیان کرد. نگرش امام علی(ع) به امر به معروف و نهی از منکر، سبب پدید آوردن اصلاح و ناراستی‌ها توسط این دو فریضه است. نبردهایی که در دوران پیشوایان معصوم (ع) صورت گرفته یا بر آنان تحمیل شده است، همه را برای اصلاح و تربیت جامعه تحمل کرده و در همه مقاطع تاریخی از نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر استفاده نموده است.

۳.امام علی(ع): « مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا والْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - عِنْدَ الأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ والنَّهْيِ عَنْ الْمُنْكَرِ - إِلَّا كَنَفْثَةٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ ...» (نهج البلاغه، حکمت۳۷۴) «همه کارهای نیك، و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، همچون فوتی دهان است به دریایی پر موج و پهناور...»

دلالت حدیث

در سخن امام علی(ع) تمام کارهای خوب آدمیان به رطوبت دهان و امر به معروف و نهی از منکر به دریای پهناور تشبیه شده است، تا عظمت این عمل در مقابل دیگر اعمال جلوه شایسته‌ای یابد. به نظر می‌رسد راز برتری امر به معروف و نهی از منکر بر سایر کارهای خوب و ارزشمند این باشد که قوام،

استمرار همه کارهای نیک در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است. با جهاد می‌توان با فساد و موانع خارجی مبارزه کرد و به پیروزی. رسید و این پیروزی در صورت دوام می‌آورد و سودمند است که از دست آوردهای آن محافظت شود. صیانت همه کارهای خوب با امر به معروف و نهی از منکر امکان پذیر است. بدون امر به معروف و نهی از منکر پایداری هنجارهای اجتماعی تضمین شده نیست.

۴. امام باقر (علیه السّلام) «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعُمُّهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْأَشْرَارِ وَ الصِّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹،۱۶: ۱۲۰) «امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگ الهی است که دیگر واجبات به وسیله آن تحقق پیدا می‌کنند و در پرتو آن راه‌ها امن شده و کسب‌ها در مسیر حلال و مشروع قرار می‌گیرد از ستم جلوگیری و زمین آباد می‌شود و حق از غاصبان باز پس گرفته امر دین و دنیا قوام می‌یابد»

دلالت حدیث

این حدیث به روشنی از نقش تربیتی امربه معروف و نهی از منکر در ساحت‌های گوناگون سخن می‌گوید و نکته مهم در این حدیث این است که انجام واجبات دیگر را با امر به معروف و نهی از منکر منوط کرده است. این حدیث نقش ارزشمندی که امر به معروف و نهی از منکر دارد به صورت آشکار بیان شده است. حکم شرعی آن بستگی به شرایط دارد از وجوب گرفته تا استحبات را دربر می‌گیرد. اگر موضوع امر به معروف واجب باشد امر به معروف هم واجب و در مستحبات امر و نهی هم مستحب خواهد بود.

۵ .امام حسین (ع)«... الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعِلْمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَ أُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيِّنُهَا وَ صَعْبُهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَ قِسْمَةِ الْفَيْءِ وَ الْغَنَائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي

حَقِّهَا»(ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴: ۲۳۸). «امام حسین علیه السلام : ای مردم! از پندی که خداوند به دوستان خود داده است، عبرت گیرید و فرمود: «مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی بر برخی دیگر ولایت دارند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند». خداوند امر به معروف و نهی از منکر را از جانب خود، واجب قرار داد؛ چون می‌دانست که اگر این فریضه انجام گیرد همه فرایض دیگر، از آسان گرفته تا سخت، به کار گرفته(عمل) خواهد شد؛ چون امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام است با ردّ مظالم (باز گرداندن حقوقِ به ناحق گرفته مردم به آنان) و مخالفت با ستمگر و تقسیم [عادلانه] بیت المال و غنایم و گرفتن بجای زکات و خرج کردن بجای آنها.»

دلالت حدیث

این حدیث نقش تربیتی امر به معروف ونهی از منکر را بیان می‌کند و اگر آنها انجام گیرند تمام واجبات الهی چه تکلیف‌های آسان و چه وظایف سخت عمل می‌شوند، چون با انجام وظیفه‌ای امر به معروف و نهی از منکر همه به اسلام فرا خوانده می‌شوند و از ستم جلوگیری و با ستم پیشگان مبارزه می‌شود و به وسیله آن، غنائم و در آمدهای دیگر بیت المال عادلانه تقسیم و مالیات‌ها جمع آوری و به افراد مستحق پرداخت می‌گردد. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر در عرض دیگر واجبات قرار نمی گیرد؛ بلکه امر به معروف و نهی از منکر در طول دیگر واجبات است. با امر به معروف و نهی از منکر انسان‌ها را تربیت می‌شود تا به خوبی‌ها عمل کنند. به برکت این دو فریضه، تربیت همگان مسیر شده و نیکی‌ها شکوفا می‌شوند. با نقش آفرینی امر به معروف در اصلاح و تربیت است که آدمیان به سوی سعادت رهسپار گردیده و از گرداب گناه و فساد نجات می‌یابند.

هرچند در تربیت انسان عوامل گوناگونی دخالت دارد. از طرف دیگر نیروهای فراوان و تمایلات متضاد در وجود انسان نهفته است. مکاتب تربیتی به فراخور شناخت که از انسان دارند در برجسته نمودن یکی از این نیروها کوشش نموده‌اند. تنها دین اسلام تلاش نموده است که تربیت در تمام ساحت‌های وجودی انسان هماهنگ رشد نماید. به همین دلیل امربه معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی اعلام شده چون نقش گسترده‌ای در اصلاح و صیانت از همه ابعاد تربیتی دارد.

۶. امام علی (ع): «فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أُنُوفَ

[الْمُنَافِقِينَ] الْكَافِرِينَ». (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۱) «آنان که امر به معروف می‌کنند از مومنان پشتیبانی کرده و سبب پشت گرمی و اقتدار آنان می‌شود و هر کس نهی از منکر می‌کند بینی کافران را به خاك می‌مالد».

دلالت حدیث

در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر فرهنگ همگانی شده باشد، مردم در پیمودن راه حق احساس تنهایی نمی‌کند. افراد بدکردار در انزوا قرار می‌گیرند که بهترین عامل برای تربیت و اصلاح رفتارهای ناشایست آنان خواهد بود. چون تربیت دارای راهکارهای تجربه شده‌ای است. وا نهادن مردم به حال خود بر خلاف نظام تربیتی بوده و از سوی دیگر اگر اصلاح و تربیت مستمر و دوام دار نباشد تربیت تضمین شده‌ای تحقق نمی‌یابد؛ بلکه امر به معروف و نهی از منکر برای تربیت و ترویج خوبی‌ها ضروری به نظر می‌رسد. چون در همه‌ای افراد انگیزه‌های معنوی به حدی قوی نیست که آنها را در مسیر اصلاح و تربیت قرار دهد و از منکرات باز دارد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر با مراقبت دایمی از ارزش‌ها و باز داشتن از بدی ها، سبب رشد معنوی در مردم می‌گردد. در پرتو ایمان و معنویت به بسیاری از کارهای نیک عمل شده و انسان‌های پاك سرشت در جامعه رشد می‌یابند. سفارش به خوبی‌ها حمایت از نیکوکاران است و نوعی از سیستم تربیتی کم هزینه و پربازده است. باز داشتن از بدی‌ها هم بهترین راه برای هموار ساختن راه تربیت و اصلاح در جامعه است.

۷. امام علی (ع):« قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ». (آمدی، ۱۳۷۳، ۴: ۵۱۸) « قوام و جوهره وجودی شریعت، امر به معروف و نهی از منکر است»

دلالت حدیث

این حدیث دلالت می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر محدود به مسائل عبادی نیست. دایره این دو واجب به گستره‌ای شریعت است چون امر به معروف و نهی از منکر به صیانت از معارف دین و ارزش‌های اجتماعی می‌پردازند و ثمره‌ای آن اصلاح و تربیت برای جامعه است. به همین دلیل فقیهان به امر به معروف و نهی از منکر عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و آن را جز ابواب مهم فقهی شمرده‌اند. حکم وجوب آن را به وسیله ادله چهار گانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) به اثبات رسانده‌اند. امر به معروف

و نهی از منکر دارای شرایط است که در فرصت و مقاله‌ای دیگر بحث خواهد شد.

۸. امام حسین(ع)«وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظَالِماً وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي (ص) أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»(مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۳۳۰) «من از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری از مدینه خارج نشدم؛ بلکه من خواهان اصلاح در امت جدم و خواهان برپایی امر به معروف و نهی از منکر هستم ».

دلالت حدیث

این حدیث فلسفه قیام امام حسین (ع) از زبان آن حضرت بیان می‌کند. مکتب شکوهمند حسینی در این حدیث تدوین و ماندگار شده است. امام حسین (ع) در این حدیث تصریح می‌کند که هدف از قیام وی امر به معروف و نهی از منکر است چون در جامعه اسلامی و در میان امت پیامبر (ص) به صورت آشکار به منکر عمل می‌شد و مردم توسط زمامداران از ارزش‌های دینی فاصله گرفته و بسوی ناراستی ها روان بودند

در بین متفکران مسلمان شهید مطهری درباره پیوند قیام امام حسین (ع) با امر به معروف و نهی از منکر تحلیل نیکویی دارد. امر به معروف و نهی از منکر نهضت امام حسین (ع) نقش تربیتی و اصلاحی داشت مکتب عاشورا نیز به امر به معروف و نهی از منکر معنای روشن بخشید(مطهری، ۱۳۷۱، ۲: ۳۸) عبارت"لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ" بیان کننده تعلیل و هدف قیام است و عبارت «أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ...» قید توضیحی برای طلب اصلاح است. به نظر می‌رسد این حدیث که بیان کننده هدف ماندگارترین مکتب است، به خوبی نقش تربیتی و اصلاحی امر به معروف و نهی از منکر را روشن می‌کند. اگر هیچ دلیلی از قران و روایات در باره نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر نباشد، تنها همین یک حدیث برای اثبات نقش تربیتی آن کفایت می‌کند.

نتیجه

یافته های این تحقیق نشان می‌دهد که تربیت ایجاد صفات مثبت در رفتار یا اصلاح رفتارهای نادرست انسان است. صفات مثبت که با تربیت حاصل می‌گردد دارای دوام و

پایداری است و این کار با امر به معروف و نهی از منکر هم محقق می‌شود. از این رو می‌توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر در تربیت و اصلاح آدمیان نقش دارد. امربه معروف و نهی ازمنکر که محافظت کننده‌ای ارزشهاست. چون معارف فکری و میراث تربیتی بشر با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده می‌شود. مگر آن که پیوسته صیانت گردد و برای فهم مردم همواره بروز رسانی شوند بگونه‌ای که همزمان با تغییر و تحولات زندگی بشر کارآمد شده و متناسب با نیازهای زمان قرار گیرند.

یافته های این پژوهش نشان می‌دهد که افزون بر شریعت، تمدن‌ها نیز برپایه‌ای ارزش‌های عقلانی و وحیانی بشر بنیان نهاده شده است. مراقبت نکردن، تمدن‌ها را نیز به سوی نابودی سوق می‌دهد. اسلام با توجه به این واقعیت، از آغاز، پیروانش را با عوامل نابودی تمدن‌های پیشین آشنا ساخته و برای جلوگیری از این سرنوشت محتوم، طرح امربه معروف و نهی از منکر را پی ریخته است. تا پاسبان ارزش‌ها و میراث گرانه مایه تربیتی انسان گردیده و زمینه ساز رفتار شایسته و تقویت کننده نیروهای مثبت در جامعه باشد.

یافته های این نگاشته نشان می‌دهد که ادله‌ی قرآنی و روایی بر نقش تربیتی امربه معروف و نهی از منکر دلالت می‌کند که در مقیاس گسترده از هنجارها و ارزش‌های پسندیده دینی و اجتماعی صیانت می‌کنند. همه خوبی‌ها با امر به معروف در جامعه نهادینه می‌شود و کارهای ناپسندی که نظام اجتماعی و تربیتی را تهدید می‌کند با نهی از منکر از بین می‌روند. اسلام امر به معروف و نهی از منکر را به امور معین مثل عبادت، معاملات، اخلاقیات و محیط خانوادگی و... محدود نمی کند معروف عام است هر کار خیر و نیك را در بر می‌گیرد که در نقطه مقابل آن منکر یعنی هر کار زشتی و ناپسند باشد.

یافته های این تحقیق نشان می‌دهد که ادله‌ی قرآنی و روایی امر به معروف و نهی از منکر در عرض دیگر واجبات قرار نمی دهند؛ بلکه امر به معروف و نهی از منکر قوام بخش تمامی واجبات و مستحبات و تربیت کننده‌ای انسان است تا عامل به خوبی‌ها و اجتناب کننده از بدی‌ها باشند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازي، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.

نهج البلاغه، شرح صبحي صالح، قم:دارالهجره، ۱۴۱۲ق.

ابـن شـعبه حرانـي، حسـن بـن علـي، **تحـف العقـول**، تحقیـق علـی اکبرغفـاری، قـم: مؤسسـة النشرالاسلامی، ۱۴۰۴ق، دوم.

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صار، ۱۴۱۴ق، سوم.

ابوالفرج اصفهاني،علي بن حسين «**مقاتل الطالبين** » قم، الشريف الرضي، ۱۴۱۴ق.

آخوند خراسانی، محمد کاظم، **کفایة الأصول**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.

آمدي، عبدالواحد بـن محمـد، **غـررالحکم**، ترجمـه و شـرح خوانسـاري، تهـران: دانشـگاه تهـران، ۱۳۷۳ش. ۶. رضوی اردکانی، ابوفاضل، **شخصیت و قیام زید بن علی**، تهران، موسسه تحقیقـات ومطالعات فرهنگی، ۱۳۶۱.

بهشتي، محمد، بایدها و نبایدها، تهران، **بنیاد نشر آثار و اندیشه‌هاي آیت اللـه بهشـتي**، ۱۳۷۹ ش، دوم.

حر عاملي، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۹ق

حکیمی، محمدرضا، الحیاة، **ترجمه احمد آرام**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ش.

خميني، روح الله، تحریر الوسیله، **تحقیق مجتبی تهرانی**، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق، سوم.

دهخدا، علی‌اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، مؤسسه لغتنامه دهخدا (روزنه)، ۱۳۷۷ش.

راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق، صفوان عدنان داوودی، دمشـق، دارالقلـم، ۱۴۱۲ق، اول.

سلیم بن قیس هلالی،**کتاب سلیم بن قیس**، تحقیق محمدباقرانصاری،قم، نشـر الهـادی، ۱۴۱۵ ق، اول.

طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، اسماعیلیان،۱۳۹۴، سوم.

عراقی، ضیاء الدین، **نهایه الافکار**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق، سوم.

قمـي، علـي بـن ابـراهیم،**تفسـیر القمـی**، تحقیـق سـید طیـب موسـوي الجزائري،نجـف، مکتبـة الهدي،۱۳۸۷ق.

مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق، دوم.

محدث نوري، حسين بن محمد تقي، **مستدرك الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق، دوم.
مطهری، مرتضی، **جهان بینی اسلامی**،تهران، صدرا، ۱۳۷۲ ش.
مطهری، مرتضی، **حماسه حسینی**، تهران، صدرا، ۱۳۷۱.
مظفر محمدرضا، **اصول فقه**، قم،انتشارات اسماعیلیان، بی‌تا، پنجم.
مفید، محمدبن محمد، **الارشاد**، تحقیق مؤسسه آل البیت، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید،۱۴۱۳ق، اول.
موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم، موسسة النشرالاسلامی، ۱۳۷۹ش.
نجفي، محمد حسن بن باقر، **جواهر الكلام**، تحقيق محمود قوچاني، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ ش، دوم.